

خدا جون سلام به روی ماهت...

شیطنت‌های ایگی فرانگی

ده بار بنویس پشیمونم!



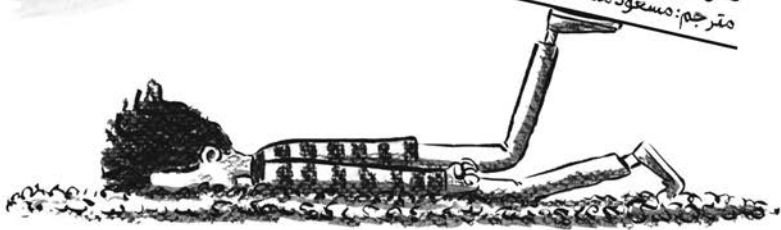
ناشر خیلی متفاوت کتاب‌های کودک و نوجوان!

شیطنت‌های

ایکی فرانکی

ده بار بنویس پیشیونم!

آنی باروز
تصویرگر: سم ریکس
مترجم: مسعود ملک‌یاری



سرشناسه: باروز، آنی

Barrows, Annie

عنوان و نام پدیدآور: ده بار بنویس پشیمونم! / نویسنده آنی باروز؛ تصویرگر سم ریکس؛ مسعود ملک‌یاری.

مشخصات نشر: تهران: نشر پرتقال، ۱۳۹۹.

مشخصات ظاهری: ۱۰۵ ص: ۲۱،۵×۱۴،۵ س.م.

فروست: شیطنتهای ایگی فرانگی.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۹۷۴-۴

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The Best of Iggy, 2020.

یادداشت: گروه سنی: ج.

موضوع: داستان‌های کودکان آمریکایی

موضوع: Children's stories, American

شناسه‌ی افزوده: ریکس، سام، تصویرگر / Ricks, Sam

شناسه‌ی افزوده: ملک‌یاری، مسعود، ۱۳۵۹ - مترجم

رده‌بندی دیویی: ۱۵۸۱۳/۶

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۷۲۷۱۷۹۲

۷۱۵۳۴۰۱



انتشارات پرتقال

شیطنتهای ایگی فرانگی: ده بار بنویس پشیمونم!

نویسنده: آنی باروز

تصویرگر: سم ریکس

مترجم: مسعود ملک‌یاری

ویراستار ادبی: شهرزاد حمصیان

ویراستار فنی: فرناز وفایی دیزجی

طراح جلد نسخه‌ی فارسی: نیلوفر مرادی

آماده‌سازی و صفحه‌آرایی: آتلیه‌ی پرتقال / مینا فیضی - آزاده توماچ‌نیا

مشاور فنی چاپ: حسن مستقیمی

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۲-۹۷۴-۴

نوبت چاپ: اول - ۹۹

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی: نقش سبز

چاپ: پروین

صحافی: تیرگان

قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان



۳۰۰۰۶۳۵۶۴



۰۲۱-۶۳۵۶۴



www.porteghaal.com



kids@porteghaal.com



تقدیم به آدمی واقعی که باید گمنام بماند و عرض تبریک بابت
اینکه نتوانست گاراژ را آتش بزند.
آ.ب

تقدیم به پدر و مادرم که از یک عالمه فاجعه‌ی ایگیانه جان به در برده‌اند.
س.ر

ترجمه‌ای برای

بنیامین طاهر میرزایی

که شبیه بچگی‌های من است، ولی مهربان‌تر، مهربان‌تر و مهربان‌تر.

م.م





The Best of Iggy

Text Copyright © 2020 by Annie Barrows
Illustrations copyright © 2020 by Sam Ricks

Published by arrangement with G.P. Putnam's Sons,
an imprint of Penguin Young Readers Group,
a division of Penguin Random House LLC.

بر اساس قوانین بین‌المللی، حق انحصاری انتشار (Copyright)
کتاب The Best of Iggy

به زبان فارسی در سراسر دنیا متعلق به نشر پرتقال است.



فهرست

- ۱۱ فصل ۱: کارهایی که ای کاش نکرده بودیم
- ۱۷ فصل ۲: گل پسر! (ایگی را نمی‌گوییم!)
- ۲۴ فصل ۳: عِلَلِ مُخَفَّفَه، بخش اول
- ۲۶ فصل ۴: دوتا پنکیک شبیه هم
- ۳۴ فصل ۵: یک فصل کوتاه در مورد یک ساختمان کوتاه
- ۳۶ فصل ۶: سقف
- ۴۵ فصل ۷: آنچه بابا و مامان‌ها دیدند
- ۴۶ فصل ۸: نمرده!
- ۵۳ فصل ۹: ایگی تا کجا شورش را درمی‌آورد؟
- ۶۴ فصل ۱۰: علل مُخَفَّفَه، بخش دوم
- ۶۷ فصل ۱۱: نُقْلَى
- ۷۰ فصل ۱۲: ابرها
- ۷۳ فصل ۱۳: میزهای عتیقه‌ی جدید
- ۷۸ فصل ۱۴: دیدار سر ناهار
- ۸۲ فصل ۱۵: دسته‌بندی

۹۳	فصل ۱۶: بد، بد، بد
۹۶	فصل ۱۷: ایگی که رفت خانه چه بلایی سرش آمد
۹۷	فصل ۱۸: پایان
۱۰۳	فصل ۱۹: علل مخفّفه، بخش سوم
۱۰۵	فصل ۲۰: پایان واقعی

فصل ۱

کارهایی که ای کاش نکرده بودیم

همه‌ی ما کارهایی کرده‌ایم که خیلی از انجامشان پشیمانیم. البته بعضی وقت‌ها می‌گوییم از کارمان پشیمانیم، ولی درواقع ته دلمان این است که خوب کردم ولی کاش کسی مچم را نمی‌گرفت. باقی اوقات هم با خودمان می‌گوییم کاش لااقل این قدر شورش را در نمی‌آوردیم. خب البته، بین این همه پشیمانی الکی، یک بار هم ممکن است پیش بیاید که واقعاً از کارمان پشیمان بشویم؛ بله، احتمالش هست. آرزو می‌کنیم کاش می‌شد آن اشتباه را از صفحه‌ی روزگار محو کرد، کاش می‌شد اصلاً بهش فکر نکرد، کاش می‌شد زمان را به عقب برگرداند و اصلاً چنین خبثی نکرد.

ولی نمی‌توانیم.
چون ما که جادوگر نیستیم.
این کتاب هم که درباره‌ی جادو و جنبل نیست.



این کتاب درباره‌ی پسری است به نام ایگی. (احتمالاً می‌خواهید بدانید چرا چنین اسمی دارد، ولی در حال حاضر حرفم چیز دیگری است.) ایگی لقبی است که به قهرمان این کتاب داده‌اند. خب یعنی آیا طرف خیلی بچه‌مثبت و مؤدب است و ویولن بسل می‌زند و دست‌کم نیم‌ساعت قبل خواب کتاب می‌خواند؟
نه‌خیر.

ایگی قهرمان این کتاب است، چون همه‌ی آتش‌ها از گور او بلند می‌شود. تمام کارهایی که او (در این کتاب) می‌کند بدند؛ یکی از یکی بدتر. واقعاً خجالت دارد که بچه‌های گلی مثل شما مجبور باشند چنین چیزهایی را بشنوند. شما عمراً از این کارها نمی‌کنید.

آره! شما که راست می‌گویید!
اول کتاب را یادتان هست؟ حتماً هست، چون هنوز چیزی ازش نگذشته.
به‌هرحال، چون ممکن است دقت نکرده باشید، اینجا فهرستشان می‌کنم:

سه گروه از کارهایی که آرزو می‌کنیم کاش انجام نداده بودیم:

۱. کارهایی که می‌گوییم از انجامشان پشیمانیم ولی ته دلمان این است که خوب کردم ولی کاش کسی مچم را نمی‌گرفت.
۲. کارهایی که بعدش می‌گوییم کاش لااقل این‌قدر شورش را در نمی‌آوردیم.
۳. کارهایی که از ته دل و با تمام وجود از انجامشان پشیمانیم.

همان‌طور که می‌بینید، این فهرست از بد تا ضایع‌ترین حالت‌ها را نشان می‌دهد. گروه اول چندان هم بد نیستند. از انجام دادن کارهای این گروه کمی شرمنده می‌شویم، ولی کیف هم می‌کنیم. کارهای گروه دوم نیمه‌بدند و حتی گاهی بدی‌شان از نصف هم کمتر است. در واقع کارهای این گروه هیچ‌وقت خوب به نظر نمی‌آیند، ولی خب، اگر ما شورش را در نیاوریم، آن قدرها هم کارهای ناجوری نیستند؛ ما از اینکه گندش را در آورده‌ایم، شرمنده می‌شویم. کارهای گروه سوم از همه بدترند؛ خیلی ضایع‌اند. اصلاً فکر کردن بهشان هم آدم را شرمنده می‌کند.

خیلی خیلی

شرمنده

می‌شویم.

در این کتاب، ایگی فرانگی همه‌ی کارهای بد بالا را انجام می‌دهد، از گروه اول تا دوم و سوم. این کتاب درباره‌ی همین کارهای بدی است که ایگی

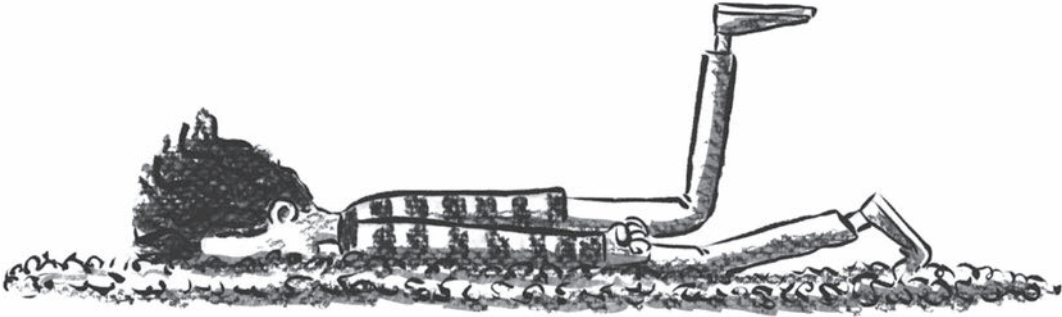
انجام می‌دهد. غیر از این، درباره‌ی مفهوم مهم *عَلِيٍّ مُخَفَّفَةٍ* هم چیزهایی یاد می‌گیرید، البته نه الان.

در حال حاضر، به‌نظرم وقتش رسیده است که با ایگی آشنا بشوید. الان توی اتاقش است. خیلی وقت است توی اتاقش است و کم‌کم دارد حوصله‌اش سر می‌رود. بعضی از بچه‌ها توی اتاقشان کامپیوتر یا حتی تلویزیون دارند ولی ایگی نه. پدر و مادر او معتقدند بچه‌ها نباید زیاد با این چیزها وقتشان را تلف کنند.

ایگی سعی کرده بهشان بگوید اگر کامپیوتر در اتاقش باشد دنیا جای قشنگ‌تری می‌شود، چون آن‌وقت سرش چنان گرم می‌شود که وقت نمی‌کند دسته‌گل به آب بدهد. ولی پاسخی که پدر و مادرش به او دادند آن‌قدر پیچیده و سنگین بود که اصلاً واردش نشویم سنگین‌تریم. *لُبِّ* مطلب این بود: *عمرأ!*



و اما حالا این شما و این هم ایگی. بفرمایید!



بله! خودش است، نه ساله با موهای خرمایی.
با صورت روی قالیچه‌ی قدیمی و پرزبلندش دراز کشیده است.
باید تا وقت شام در اتاقش بماند. ساعت دو و نیم بعدازظهر است، یعنی
دست‌کم چهار ساعت دیگر تا شام مانده.
تنبیهش است؛ درواقع بخشی از آن. علاوه‌براین، تا یک هفته از بستنی
هم خبری نیست.

